

## تحلیل | اشکال مبنایی & 171؛ خلق پول & 187؛ توسط افراد یا نهادهای خصوصی



شناسه خبر : ۱۳۶۹۷۷ یکشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۲ - ۱۱:۵۲

به صورت سنتی و طی هزاران سال، مردم دنیا به این نتیجه رسیده‌اند، و این اصل را بدیهی می‌گیرند که پول معتبر است، چون لابد حاکمیتی که همچون کوه پشت این اعتبار ایستاده آن را نشر داده است، اما واقعیت چنین نیست!

موج خبر؛ پرونده "باچ باجه"؛ بخش 181

دهه 1370، دهه دگرگونی‌ها و تغییرات نهادی فراوان در سطح کشور است. دهه‌ای که پس از یک دهه استنکاف از تقلید و پیروی از غرب، با شعارهای تعدیل و توسعه و تنش زدایی و عادی سازی روابط با دنیا آغاز شد، و در همان اوایل (1373) اشکالاتش ظاهر شد و مشکلاتی را بر مردم تحمیل کرد که هرگز پیش از آن سابقه نداشت و هرگز پس از آن ترمیم نشد.

فهرست این اختلالات و مشکلات، فهرستی بلندبالا و عمیق است که حتی داد وزیر اقتصاد وقت را هم درآورد! با نگاهی جزئی‌تر و در حوزه نهادی ادغام بسیاری از کمیته‌های انقلابی تا انحلال جهادسازندگی، و حتی تلاش گسترده برای ادغام یا انحلال سپاه پاسداران، و تا تأسیس اطواری جدید از مؤسسات مالی و اعتباری خصوصی و بانک‌ها \_ بانک‌های خصوصی \_ در کشور، در این دهه رقم خورده است.

بیشتر بخوانید

روایت اعضای وقت کنگره: انحصار پول ایالات متحده چطور در اختیار «فد» قرار گرفت

در مورد بانک‌های خصوصی، پیش از آن، اصل 44 قانون اساسی، مستمسک محکمی بود که اجازه نمی‌داد در کشور بانک خصوصی تأسیس شود، اما بهانه رقابتی نبودن خدمات بانک‌های دولتی \_ مانند اغلب یا تمام آزادسازی‌هایی که پیروان دانسته یا نادانسته نخله‌های دولت‌گریز غرب مانند لیبرتارین‌ها یا اتریشی‌ها یا شیکاگویی‌ها و دیگران پی می‌گیرند \_ باز هم بهانه‌ای شد، این بار برای رهاسازی نهاد بانک و ایجاد قدرت خلق پول در جمهوری اسلامی ایران؛ و این بار حتی با دور زدن قانون اساسی، با اخذ استفساریه‌ای از شورای نگهبان. این بهانه، حتی در قانون مصوب سال 1379 مجلس، که اجازه تأسیس بانک خصوصی را صادر کرده، به چشم می‌خورد! این قانون تصریح دارد:

قانون اجازه تأسیس بانکهای غیر دولتی

ماده واحده - به منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و تشویق پس انداز و سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه با توجه به ذیل اصل چهل و چهارم (44) قانون اساسی و در چارچوب ضوابط، قلمرو و شرایط تعیین شده در زیر اجازه تأسیس بانک توسط بخش غیر دولتی داده می‌شود:

الف - سیاست گذاری پولی، اعتباری، ارزی، چاپ اسکناس، ضرب سکه، حفظ ذخایر ارزی، نظارت بر بانکها و صدور مجوز فعالیت بانکی در قلمرو وظایف دولت بوده و جهت اعمال حاکمیت همچنان در اختیار دولت باقی می‌ماند.

ب - ضوابط مربوط به نحوه فعالیت بانکها از قبیل رعایت نسبت‌های مالی تعیین شده جهت داشتن ساختار مالی سالم و نوع قراردادها و عقود و فعالیتهای بانکها طبق قوانین پولی و بانکی کشور مصوب 1351 و قانون عملیات بانکی بدون ربا خواهد بود.

ج - دولت می‌تواند به افراد حقیقی و حقوقی داخلی به شرط داشتن شرایط زیر مجوز فعالیت اعطاء نماید: 1- داشتن تجربه و دانش لازم در این کار. 2- از نظر مالی توان تأمین سرمایه لازم و انجام کار را داشته باشد. 3- عدم داشتن هر گونه سوءپیشینه اعم از مالی و اخلاقی.

تاریخ تصویب 1379.1.21

تاریخ تأیید شورای نگهبان 1379.1.28

این اختلال بزرگ، قانون مصوب و عملیاتی شد، و از آن دوره تاکنون، در دوره‌های گوناگون مشکلات متنوعی را به کشور بار کرده است: از تورم مزمن بلندمدت و فزاینده بی‌نظیر در دنیا، تا مشکلات مؤسسات اعتباری در ابتدای دولت یازدهم، تا مشکلات ناشی از بنگاهداری، و همچنین دستکاری‌های ارزی اخیر که سوخت تورم و دلالت اصلی درون‌زایی پول در کشور شده است و موارد دیگر. با همه این احوال، تقریباً به اشکال محوری و اساسی، و به اصطلاح دالّ مرکزی این اختلال به قدر کافی پرداخته نشده، و آن اشکال محوری، امکان‌دادن و ایجاد انگیزه سوداگری بی‌نظیر از کانال توان خلق پول است؛ موضوعی که اندکی تأمل در آن هر قضاوت‌گر منصفی را به نتیجه می‌رساند که مشکل بنیادی و اساسی عقلی و فطری و شرعی دارد.

در واقع اساس تشکیل بانک خصوصی، دچار اختلال مبنایی است؛ و سنگ بنایی را ایجاد کرده تا شرایط نقدینگی و تورم و سایر اختلالات معطوف به این شبکه انحصارگر خصوصی گریبان مردم را بگیرد، و طی دو دهه نقطه عطف و مرکز اختلال در اقتصاد کشور باشد. برای روشن شدن بحث از مباحث ساده و بدیهی آغاز کنیم:

ابتدا به این فکر کنیم که طبعاً نهاد یا فردی که امکان خلق پول داشته باشد، می‌تواند به همان اندازه از پول بهره‌بردار! به همین دلیل به صورت سنتی و طی هزاران سال، خلق پول در اختیار حاکمیت‌ها بوده، و اگر امین‌الضربی هم وجود داشته، از سوی حاکمیت مأموریت داشته است. قدرت خلق پول، مرموزترین و قوی‌ترین امکان خلق قدرت اقتصادی است. دوباره دقت کنیم: نهاد خلق‌کننده پول، به همان اندازه از پول بهره‌بردار!

این مسئله اساسی البته طی سده نوزدهم با ورود خانواده‌های بانکدار متمول چندملیتی اروپایی تغییر کرد و نماد آن در ابتدای قرن بیستم، ایجاد نهاد خصوصی انحصاری فدرال‌رئزرو در آمریکا و بعدتر از آن پذیرش یا به عبارت بهتر کودتای برتن‌وودز بود که نظام دلار را به جهان حقه کرد و بعدتر از 1971، با قطع ارتباط دلار با طلا، این نظم جدید کامل شد و این طرّاری و غارتگری جهانی به اوج رسید؛ البته اطوار جدید اعتبار - ارز دارایی‌ها - را اگر در نظر نگیریم!

به عنوان مسئله دوم، خوب است کمی دقیق تر به این بپردازیم که قدرت خلق پول از کجا ناشی می شود؟. واقعیت این است که به صورت سنتی و طی هزاران سال، مردم دنیا به این نتیجه رسیده اند، و این اصل را بدیهی می گیرند که پول معتبر است، چون لابد حاکمیت و قوه عاقله ای که همچون کوه پشت این اعتبار ایستاده آن را نشر داده است. مخاطب پول، قدرت خرید پول را بدیهی می داند چون می اندیشد که اگر چنین نبود، لابد دولت در جهت حذف و مجازات عامل آن اقدامی جدی انجام می داد! بنابراین اکنون هم – حتی در آمریکا – نهاد خلق کنند پول به اعتبار پشتوانه اعتبار حاکمیت پول خلق می کند، و استفاده اش را می برد.

و در نظر بیاورید که همه جای دنیا – حتی در همان آمریکا که خلق پول جهان روایش خصوصی است – اگر یک فرد یا نهاد خصوصی، ورای قانون، و در پستوی خانه اش به چاپ اسکناس اقدام کند، با شدیدترین مجازات ها روبه رو خواهد شد؛ اما طرفه است که انحصار چاپ پول، هر چه در سلسله مراتب مدنیت دنیای مدرن بالاتر می روید توأمان انحصاری تر و خصوصی تر می شود! یعنی مثلاً در کشور ما بخشی از خلق نقدینگی توسط بانک های خصوصی رقم می خورد اما بخش قابل توجهی از اعتبار مرکزی خلق شده در کشور، یعنی اعتبار ریال های بانک مرکزی، خود به پشتوانه دلارهایی معتبر است که یک نهاد انحصارگر خصوصی آمریکایی – فدرال رزرو – منتشر می کند! ملاحظه می فرمایید؟ هر چه بالاتر، انحصاری تر و خصوصی تر!

بانکداری خصوصی در ایران اختلالات قابل توجهی ایجاد کرده، اما اگر نیک بنگریم، تمام معضلات ناشی از بانکداری خصوصی، متفرع بر بی توجهی سهوی یا عمدی قانونگذار به عقلانیت است. این پرسش محوری است: با چه دلالت عقلی (و همچنین شرعی) اجازه خلق پول (که طبعاً و منطقاً به پشتوانه اعتبار حاکمیت انجام می شود) به یک نهاد خصوصی هبه می شود، و سایر مردم از این قدرت بی نظیر منع می شوند؟.

بانک خصوصی اگر نقدینگی خلق نکند بانک نیست؛ چیزی در حدود یک صندوق خواهد بود. بنابراین ذات بانک خصوصی، دچار اختلال مبنایی است؛ اختلالی که در زمان اعطای جواز قانونی، نادیده گرفته شده است.

انتهای پیام/

انتهای پیام/